



انترناسیونال

۲۲۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۲ بهمن ۱۳۸۶، ۱ فوریه ۲۰۰۸

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

رهایی زن رهایی جامعه است

در استقبال از صدمین سالگرد ۸ مارس

گفتگو با اعضای دفتر سیاسی مینا احدی و شهلا دانشفر



شهلا دانشفر

تفاوت‌هایی کرده و جنبش‌های اعتراضی و مقاومتهای زنان، سیستم و حاکمین را به عقب نشینی

زنان در جامعه رو به بهبود گذاشته است یا موقعیت نابرابری به زنان تحمیل شده است؟ قاعدتا باید انتظار داشت وضع زنان با پیشرفت جوامع انسان بهبود پیدا کند. آیا اینچنین است؟

مینا احدی: طبعاً موقعیت زنان نسبت به گذشته‌های نسبتاً دور، مثلاً پنجاه سال قبل، در مجموع

صفحه ۷



مینا احدی

انترناسیونال: در یک سطح عمومی و جهانی، موقعیت زنان نسبت به گذشته چه فرقهایی کرده است؟ وضع

ترهائی در مورد انقلاب

سوسیالیستی در ایران



حمید تقوائی

۱- برای لغو استثمار و کارمزدی و خلع ید اقتصادی از سرمایه داری در کام اول طبقه کارگر باید از طبقه حاکمه خلع ید سیاسی کند، یعنی دولت بورژوازی را سرنگون کند و قدرت سیاسی را بدست آورد. برای رسیدن به این هدف در همه جوامع دنیا مطلوب ترین و امکان پذیرترین راه انقلاب سوسیالیستی است.

۲- شرایط عینی در سراسر جهان برای انقلاب سوسیالیستی آماده است. امروز در اکثر قریب به اتفاق جوامع از جمله در کشورهای آسیائی و آفریقائی که در حال توسعه خوانده میشوند نظام سرمایه داری کاملاً برقرار شده است. در ایران مشخصاً قریب نیم قرن قبل اصلاحات ارضی آخرین ضربه را به فئودالیسم زد و جامعه ایران را به جرگه سرمایه داری جهانی وارد

صفحه ۱۲

من از مذهب رویگردانم!

چرا من برای آزادی و بر علیه اسلام مبارزه میکنم

زندگی نامه مینا احدی به زبان آلمانی منتشر میشود

این کتاب با یک جلسه کتابخوانی و کنفرانس علنی در شهر برلین در روز ۲۷ فوریه ۲۰۰۸ به عموم معرفی خواهد شد.

نویسندگان کتاب:

مینا احدی با همکاری سینا فوگت

صفحه ۶



محاصره نوار غزه محکوم است

صفحه ۹

فعالتهای حزب در حمایت از

هفته همبستگی با دانشجویان

صفحه ۱۰

اعتراضات کارگری ادامه دارد

صفحه ۱۱

حکم اعدام پرویز کامبخش محکوم است

صفحه ۹

سوهارتو قصاب قرن بیست مرد!

جداسازی کتابهای درسی دختران و پسران!

صفحه ۲

کاظم نیکخواه

در حاشیه رویدادها

برنامه حزب چه میخواهد؟

سهیلا شریفی

عضو دفتر سیاسی پاسخ میدهد

صفحه ۴

آیا سوسیالیسم عملی است؟

از میان سئوالات

جلسه هفتگی حمید تقوائی

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



سوهارتو قصاب قرن بیست مرد!

کسی این روزها در جایی نوشته بود که از مرگ سوهارتو هیچکس متاثر نخواهد شد. دوست داشتم به نویسنده آن نوشته اطلاع دهم که من واقعا از مرگ سوهارتو متاثر شدم. از مرگ پینوشه هم همینطور. این را واقعا و از صمیم قلب میگویم. تردیدی ندارم که بسیاری در جهان همین احساس مرا دارند. بویژه در اندونزی قطعا بسیاری مردمی که از مرگ "آل حاج محمد سوهارتو" که لقب و اسم رسمی اوست ناراحت شده اند. سوهارتو و پینوشه را مفت از چنگ بشریت خارج کردند. دلیل تاجر من و حتما بسیاری دیگر روشن است.

سوهارتو بدون اینکه محاکمه شود مرد. سوهارتو گرچه با تحقیر و در بازداشت خانگی مرد و مرز خشم و نفرت عظیم و بیکران توده های میلیونی مردم را در سالهای پایانی دهه نود چشید و نهایتا در سال ۹۸ مجبور به استعفا گردید، اما بدون اینکه در دادگاهی مردمی محاکمه شود. مرد. سوهارتو رویتهایی دست اول از آنچه که حتی سازمان سیای آمریکا چند سال بعد آنرا "بزرگترین قتل عام قرن بیستم" نامیده است داشت که ناگفته ماند. سوهارتو اطلاعات دست اولی از پشت پرده این نسل کشی میلیونی داشت که با مرگ او از دست رفت. سوهارتو میتوانست در پیش چشم همگان بگوید که چگونه دولتهای دموکراتیک غربی و بویژه دولت آمریکا سازمان دهنده اصلی این نسل کشی عظیم و از جنبه هایی بی نظیر در تاریخ بودند. سوهارتو میتوانست بطور مشخص بگوید که چگونه حکومت وقت آمریکا و سازمان سیا به نیروهایش درس جنایتکاری و بیرحمی و دروغ پردازی و مردم فریبی و توطئه گری میدادند. میتوانست اسرار پشت پرده یکی از بزرگترین قتل عام های قرن بیست و یکی از بزرگترین نسل کشی های تاریخ بشریت را بازگو کند. مرگ او قبل از اینکه در دادگاهی مردمی محاکمه شود، همه اینها و بسیاری حقایق دیگر مربوط به ۳۰ سال حکومت کشتار و اختناق و سانسور را از دست بشریت خارج کرد.

تمام خانواده را میکشند و دفن میکردند. در يك گزارش از مجله تایم گفته شده است که باندهای اسلامی در برخی مناطق شرق جاوه "سره های کمونیستها و فعالین اتحادیه ای را بر سر چوب میزدند و در میان روستاها رژه میبردند". در کنار این کشتار کمونیستها، کشتار اقلیت موسوم به چینی تبار نیز جریان داشت. چینی های اندونزی که يك اقلیت بزرگ اندونزی بودند مشمول تصفیه های خونین و کاملا فاشیستی شدند. علاوه بر کشتار آنها، برای آنها که زنده مانده بودند قوانینی کاملا نازستی گذاشته شد که اقلیت موسوم به "چینی" را از شغلای معینی، از اماکن معینی و از پستهای معینی منع میکرد و آنها را مجبور میساخت که زبان و تابعیت و سنتهای خود را کاملا کنار بگذارند.

داستان روی کار آمدن سوهارتو و ۳۰ سال حکومت وحشت او، داستان آشنای قرن بیستم است. داستان يك جنگ خونین طبقاتی تمام عیار است که از ابتدا تا انتهای قرن ادامه یافت. جنگ صاحبان و محافظان سرمایه داری علیه کارگران و کل انسانیت، جنگی که در آن ارتجاع مذهبی و اسلامی و ناسیونالیستی نقش اول را در برابر آزادیخواهی و حق طلبی ایفا کرد. يك گزارش میگوید سازمان سیا لیست هزاران نفر از کمونیستها و فعالین کارگری را که توسط اوپاش شناخته شده بودند به دست دارو دسته های جنایتکار رساند و همه آنها قتل عام شدند. يك گزارش دیگر میگوید ابعاد کشتار آنچنان وسیع بود که اجساد انباشته شده در همه جا قابل مشاهده بود و حتی کانالهای آب و رودخانه ها را پر کرده بود. آلودگیهای ناشی از اجساد که دسته دسته رها شده بودند، باعث آلودگی و اپیدمی شده بود.

اما کشتار و جنایت رژیم سوهارتو به این سالها محدود نمیشود. او در سال ۱۹۷۵ به تیمور شرقی لشکر کشی کرد و در آنجا نیز بیش از صد هزار نفر از ساکنین ۶۰۰ هزار نفری این جزیره را به قتل رساند. یعنی از هر شش نفر يك نفر را کشت. بعد از این قتل عام تیمور شرقی توسط رژیم سوهارتو بعنوان "استان بیست و هفتم" اندونزی نامگذاری شد و تا سال ۲۰۰۲ این جزیره رسما تحت حاکمیت اندونزی ماند.

سوهارتو مرد. اما همان نیروهای بورژوازی مرتجع ضد انسانیت و ارزشهای انسانی که

دستانشان را پشت سوهارتو گذاشتند، او را به قدرت کشیدند، باندهای کشتار اسلامی و ناسیونالیست و فاشیست را سازمان دادند و به جان مردم انداختند، هنوز در اینجا و آنجا دارند وسیعا جنایت میکنند. و رسانه ها و ژورنالیسم آنها آگاهانه کشتار عظیم رژیم سوهارتو از کمونیستها و کارگران و مردم منتسب به اقلیتها را به حاشیه رانده اند. حتی موقع مرگ او از این کشتار جز يك اشاره مغرضانه چیزی نگفتند. يك نمونه اش بنگاه بی بی سی است که بیش از آنکه به این جنایت عظیم قرن بیست اشاره کند به نحو اغراق آمیزی رشد اقتصاد اندونزی را زیر نور افکن گرفت.

سوهارتو مرد. اما صدای انسانیت زنده ماند. او صدای انقلاب را شنید. توسط مردم به زیر کشیده شد. علیه او کیفر خواست صادر شد و با بند بازی و بهانه کردن سلامتی او از محاکمه نجاتش دادند. اما نظام و طبقه ای که او را خلق کرد و به حرکت در آورد هنوز نمرده است و زیر کیفرخواست این جنایت بزرگ و تمام کارنامه جنایتهايش علیه بشریت قرار دارد و مدافعانش باید پاسخگو باشند.

جداسازی کتابهای درسی دختران و پسران!

ایده جدا کردن کتابهای درسی دختران و پسران، يك ایده بسیار بدیع و جدید و پیچیده است که نه فقط به ذهن نظریه پردازان آپارتاید در آفریقا و نازیستها در آلمان و فاشیسم اروپایی خطور نکرده بود، بلکه محمد و خدا هم به این جنبه توجه نکرده اند و تا آنجا که من میدانم در قرآن هم این طرح به فراموشی سپرده شده است! شاید به این دلیل که پیغمبر اسلام راه ساده تری را در دسترس داشته و کلا دور درس خواندن دختران و زنان را در زمان خود خط کشیده است و چنین معضلی نداشته است. در کنار دیوار کشیدن وسط اتوبوسها و بلند کردن دیوار مدارس دخترانه و زنانه-مردانه کردن پارکها و صدها طرح بدیع دیگر که هرکدام به دلایل "نامعلومی" با مقاومت مردم مواجه شد و شکست خورد، هنوز جدا کردن کتابهای درسی از نظر کیفیت و بدیع بودن و عمیق بودن نمره اول را دارد. طبعاً در ابتدا مشکلاتی برای پیاده کردنش در پیش خواهد بود مثل اینکه دختران باید کتابهایشان را در

خانه از برادرها و پدرهایشان مخفی کنند و برعکس پسران هم باید کتابها را از چشم مادران و خواهرانشان پنهان کنند که حتما برای این جنبه ها هم فکری شده است. دو تن از سرپرستان "وزارت آموزش و پرورش" جمهوری اسلامی که این طرح را در هفته جاری مطرح کرده اند به این جنبه ها البته اشاره نکرده اند اما جنبه هایی را اشاره کرده اند. مثلاً یکی از آنها بنام علی احمدی گفته است که "علاوه بر ویژگی های جنسیتی، ویژگی های قومی، نژادی و جغرافیایی نیز باید لحاظ شود و چون نیازهای روحی، روانی و جسمی دختران و پسران در شرایط سنی مشابه با هم متفاوت است، بنابراین ضرورت دارد در برنامه درسی ملی و به تبع آن کتاب های درسی به این نیازها پاسخ گوید". تدوین کتابهای جداگانه درسی براساس "ویژگیهای قومی و نژادی و جغرافیایی هم البته خیلی هیجان انگیز و جالب است که مشتاقانه منتظر اعلام آن هستیم! معضلات این طرحهای جداسازی جنسیتی من ایده جدید تری به ذهن رسید که شاید این مشکلات دیوار کشدن های متعدد میان اتوبوسها و پارکها و مدارس و همچنین معضلات چگونگی دور نگه داشتن چشم پسران از کتابهای دختران، و دور نگه داشتن چشم دختران از کتابهای پسران و امثال آنرا نداشته باشد. و آن ایده بطور خلاصه اینست که کل کشور به دو کشور زنان و کشور مردان تقسیم شود و يك دیوار بلند هم وسط آنها بکشند که همدگر را نبینند. به این ترتیب اولاً دیوارهای متعدد لازم نیست و ثانیاً دیگر خطرات فوق وجود نخواهد داشت. فقط برای اینکه آخوندها و مقامات حکومت اسلامی بتوانند کارهای واجبه شان نظیر صیغه و غیره و غیره را انجام دهند هر کشوری چه زنانه چه مردانه فقط يك راهرو به جماران داشته باشد! اینجا در ستون در حاشیه فرصت تشریح بیشتر این طرح را ندارم اما شما خود آنرا تکمیل کنید و به اطلاع آقایان برسانید شاید این مشکل مملکت ایران به نحو ساده تری حل شود و در عین حال استراتژیهای جداسازی قومی و نژادی و جنسیتی در سطح جهان هم يك قدم تکمیل تر شود! واقعا که رژیمهای سرمایه داری قرن بیست و یکم فقط این نوع طرحها را کم دارند.*



حکمت درون هر انسانی هست، متحقق میشود. انسان موجودی اجتماعی است و با همین دید است که باید به انسان نگاه کرد. فرد و جامعه باهم تناقض مناقع ندارند بلکه با یکدیگر همخوان و همسان هستند. در همین جوامعی که میگویند رقابت ذاتی بشر است، تا وقتی که فرد هنوز وارد بازار کار نشده، یعنی کودکی که هنوز کار نمیکند، خود را رقیب کسی نمیداند و اساسا کودک نمیتواند بفهمد که چرا باید برای حفظ و بقای خودش با بقیه رقابت کند و بجنگد و جلو برود! نمی فهمد که اصلا چرا

انسان باید بقا و رفع نیازهایش کار کند و پول درآورد و مثلا نسی فهمد که چرا زمانی که به یک مغازه اسباب بازی فروشی میروند نباید اسباب بازی را که دوست دارد بردارد! اما همه این باید و نبایدها را فرهنگ حاکم الزامی میکند و پروسه بزرگ شدن افراد و بالغ شدنشان در واقع تن دادن آنها به این الزامات است و آنوقت اسم آنها هم میگذارند خصلتهای ذاتی بشری!

در حالیکه قضیه کاملا برعکس است. انسان موجودی ذاتی اجتماعی و اگر چیزی در انسان ذاتی و طبیعی باشد هویت اجتماعی و نودوستی اوست. می پرسند چطور ممکن است و چرا باید آدمها زمانی که به اندازه نیازشان به آنها داده میشود باز هم کار کنند؟ باید بگویم که اینها معنی کار را از همین نظام گرفته اند، یعنی کار برای

امرار معاش. معیشتی که سرمایه داری به گرو گرفته است و برای تامین اش افراد ناگزیراند به کار بدهند. این مناسبات این طرز فکر را ایجاد کرده که گویا اگر معیشت آدمها تامین باشد آنوقت دیگر دست و دل کسی به کار نمیروند و افراد از صبح تا شب مینشینند دیوار را تماشا میکنند! اینها فراموش میکنند که کار، یک فعالیت خلاقانه است که شادی آور است. در همین جوامع موجود زمانی که در یک جایی زلزله ای رخ میدهد، وقتی یک مصیبت طبیعی حادث میشود میبینیم که بطور موقت این قوانین و الزامات ناشی از نظام سرمایه داری کنار میروند و مردم آستین بالا میزنند و بکمک یکدیگر میشتابند و از این فعالیت انسانی عمیقا احساس رضایت میکنند. این نوع کار و

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

آیا سوسیالیسم عملی است؟

مطرح کردید. ببینید معمولا افراد جامعه انسانی که ما از آن صحبت میکنیم را با همین معیارها، اجبارها و روابط موجود و با همین واقعیات جامعه فعلی ارزیابی و قضاوت میکنند. و این از پایه اشتباه است.

من در بحثم راجع به رقابت مختصرا توضیح دادم که این فرهنگ مسلط طبقه سرمایه دار است که انسانها را بطور ذاتی رقیب هم میداند، گوئی انسانها حتما باید پا روی گلو یکدیگر بگذارند تا بتوانند خودشان را بالا بکشند، یا بقول ضرب المثل فارسی گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند! جامعه سرمایه داری این را در همه جای دنیا در بوق و کرنا میکند که انگیزه و محرک انسان منافع شخصی اوست و اگر این انگیزه نباشد انسان هیچ حرکت و تلاش اجتماعی نخواهد کرد! بله انسان برای بقا خودش میجنگد و برای بقا خودش اهمیت قائل هست منتها سؤال بعدی اینست که آیا این بقا، یک بقای فردی است یا بقای اجتماعی؟ اساسا مگر انسان بدون اجتماع میتواند باقی بماند؟ بنظر من طبیعی است که نمیتواند.

معنی همین رقابت اینست که ما انسانها همه باید در یک جامعه باشیم و بطور جمعی زندگی کنیم تا من بتوانم برای اینکه گلیم خودم را از آب بیرون بکشم با دیگری رقابت کنم! پیش فرض وجود رقابت با دیگران زندگی اجتماعی و تولید اجتماعی است اما خود پدیده رقابت ناشی از نظام سرمایه داری است. بدن سرمایه داری ضرورت رقابت نیز از بین میروند. اگر سرمایه داری را بگذاریم کنار آنوقت روحیات عوض میشود و روانشناسی اجتماعی عوض میشود و مفهوم زندگی بقول فلاسفه واقعی و حقیقی میشود و میشود گفت انسان به اصل خودش برمیگردد. آن ذات انسانی، آن نیاز انسانی، آن جوهر انسانی و آن سوسیالیسمی که بقول منصور

نازنین پرونده: بحث در مورد جوهر انسانی و رهائیبخش سوسیالیسم را بارها از خود شما و از رهبران حزب کمونیست کارگری شنیده ام و هر دفعه هم که میشنوم واقعا لذت میبرم و شور و شغف و احساس امید واری به من دست میدهد. اما اینرا هم میدانم که هر زمان که این بحث مطرح میشود فوراً در ذهن مردم سؤوالهایی نقش مینمایند که آیا واقعا امکان عملی چنین چیزی هست و جامعه سوسیالیستی شدنی هست؟ به هرکس به اندازه نیازش چگونه ممکن میشود؟ منصور حکمت هم در بحث "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" از این ممکن بودن حرف زده است و من هم میدانم که بله شدنی هست ولی همین الان در پالتاک یکی از شرکت کنندگان در تکست نوشته بود که "شما ایدئالیست هستید و جامعه سوسیالیستی رویاست، اینها حرفهای رویایی انسانهاست". افراد زیادی هستند که نظرات ما را در مورد انسانی بودن و مطلوبیت سوسیالیسم قبول دارند ولی فکر میکنند سوسیالیسم نمیتواند عملی شود هرچند که واقعا ایده آل است. میگویند چطور ممکن است که رقابت را بردارید و آنوقت مردم انگیزه داشته باشند که کار بکنند و یا به هرکس به اندازه نیازش هم بدهید و همه در رفاه باشند و با این وجود مردم صبح پا شوند و بروند سر کار! یعنی میگویند که لازم است انگیزه ای برای کار کردن وجود داشته باشد. مثلا میگویند پدیده رقابت باید برقرار باشد و این را یک چیز ذاتی میدانند و میگویند که بدون وجود رقابت هیچکس انگیزه کار نخواهد داشت. معتقدند اگر این شرایط وجود نداشته باشد تولید ممکن نخواهد بود و جامعه دوام نخواهد آورد و در نتیجه این حرفهایی که ما میزنیم عملی نیست و پایش روی زمین نیست.

حمید تقوایی: بله، نکات خوبی را

بحثهایی داشته ام ولی الان فرصت برای مرور آنها نیست. دوستانی که به این بحثها علاقه داشته باشند میتوانند به نوشته "مذهب، ناسیونالیسم و از خود بیگانگی انسان" رجوع کنند که فکر میکنم هنوز هم روی سایتها باشد. در هر حال اساس قضیه اینست که اگر بخواهیم با استانداردها و با روانشناسی و فرهنگ جامعه سرمایه داری قضاوت کنیم آنوقت سوسیالیسم غیر ممکن است ولی زمانی که قوانین و نظم سرمایه داری را لغو کنیم و کنار بنزیم آنوقت میبینیم که اساسا چیزی و نظامی ممکن تر از آزادی و برابری و جامعه سوسیالیستی نیست. و بجز چنین جامعه انسانی هیچ آینده دیگری برای بشریت ممکن و قابل تصور نیست. امروز در چنگال نظام سرمایه و دولتهای نظیر بوش و میلیتاریسم و بمب اتم و جنگهای فرقه ای و قومی بشریت دارد خودش و کره ارض را نابود میکند. سوسیالیسم یا بربریت! راه دیگری وجود ندارد. سوسیالیسم عملی است برای اینکه انسانی است. اگر قرار است که انسانیت باقی بماند، حتی اگر فقط میخواهد باقی بماند، باید پرچم سوسیالیسم را بلند کند. کار و زندگی در خور شان انسان، کمک به همنوع، دخالت در سرنوشت اجتماعی همه اینها جزوی از تعریف و ماهیت انسانها هستند که در این نظام از انسانها دریغ شده است و نفی شده است، و بهمین خاطر است که باید این جامعه را بریز کشید تا بتوان به جامعه انسانی رسید و میشود چیزی مطلوب تر و ممکن تر از یک جامعه انسانی نیست.*

فعالیت است که به زندگی مردم معنی میدهد و این کمکهای نوع دوستانه است که انسانیت آدمها را متحقق میکند و از نظر روانی شکوفا میشوند. کار، قبل از هر چیزی یک فعالیت خلاق و انسانی است. اینطور نیست که اگر معیشت یکی را بدهید آنوقت دیگر از صبح تا شب مثلا میروند فوتبال بازی میکنند. خوب، روزی دو ساعت فوتبال بازی میکنند، بعد چه؟ این جواب نیست و از نظر روانی و انسانی کسی را راضی نمیکند. انسان زمانی ارضا میشود که بتواند سنگی روی سنگی بگذارد، بتواند نقش مثبتی در جامعه داشته باشد، بتواند به کسی کمک کند، بتواند باری از روی دوش کسی بردارد و بتواند زندگی مردم ده شان و یا محله شان و یا شهرشان و جامعه شان را ارتقا دهد.

عمیق ترین احساس خوشی و شادی و رضایت درونی انسان در همینجاست که بتواند دنیای خارج پیرامونش را در جهت خوشبختی و منافع کل انسانها و خودش تغییر بدهد و این عظیم ترین تلاش و عظیم ترین احساس انسانی است که آدمها در فعالیت خلاقه شان بدست میآورند. کار شغل نیست، بلکه همانطوری که گفتم یک فعالیت خلاقانه است که در نفس خودش شادی آفرین و راضی کننده و انسانی است. در جامعه سرمایه داری کار کالا شده است و به یک حرکت اجباری تبدیل شده است تا سرمایه بتواند سودش را ببرد! این یعنی مسخ انسان و این یعنی از خود بیگانگی انسان و اساسا از خود بیگانگی انسان از هینجا آغاز میشود. من قبلا هم در این زمینه

برنامه حزب چه می‌خواهد؟ سهیلا شریفی، عضو دفتر سیاسی پاسخ میدهد

برابری زن و مرد، ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت



انترناسیونال: بنی از برنامه حزب به برابری زن و مرد اختصاص دارد. (در همین شماره این بند برنامه چاپ شده است). این بند برنامه رئیس قوانین و اقداماتی را که باید هم اکنون بقانونیت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید می‌شمارد. در این بند از لغو کردنها و ممنوعیتها صحبت میکنند. از جمله: لغو تعهدات انقیاد آور زن به شوهر؛ لغو مقررات عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی؛ ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او و ولو بدون اعمال خشونت و ...

بخشهایی از اپوزیسیون میگویند که مردسالاری يك امر فرهنگی و تاریخی است و نمیشود با ممنوعیتها و فرمانها در مقابلش ایستاد برای غلبه به مردسالاری باید صبر کرد و يك کار فرهنگی تدریجی را پیش برد. در این مورد نظراتان چیست؟

سهیلا شریفی: این قدیمیترین و کلاسیکترین استدلالی است که همیشه در مقابل ما کمونیستها قرار داده اند. به ما می گویند دست به قوانین نزنید و بجاش کار فرهنگی کنید، حرفهای شما درست است اما مردم ما عقب مانده هستند و این حرفها را نمی پذیرند، این فرهنگ هزاران سال قدمت دارد و با خون و پوست مردم آمیخته است و عوض کردن آن در اذهان مردم کاری طولانی و سخت خواهد بود و استدلالات متعدد دیگری از این قبیل. حقیقت این است که این حرفها را می زنند که جلوی این تغییر را بگیرند و مانع متحقق شدن آزادی و برابری در جامعه شوند. کسانی که این حرفها را می زنند می خواهند مردم را از امکان پذیر بودن جامعه ای آزاد و برابرنا امید کنند و تلاش برای دنیای بهتر را سرکوب نمایند. این يك حربه تاریخی در دست طبقات حاکم بوده است. در هر دوره تاریخی از این حربه استفاده کرده اند تا سرنوشتی را که برای مردم رقم زده اند ازلی و ابدی جلوه دهند و دنیای متفاوت را

ناممکن نشان دهند. اما بگذارید پیش خودمان برای چند لحظه هم شده فرض کنیم که اینها راست می گویند و مردم در ایران عقب مانده و مذهبی هستند و برابری زن و مرد را نمی خواهند، حتی بیائید فرض کنیم که دختران بیش از شصت در صد دانشجویان را تشکیل نمی دهند و شعار آزادی و برابری در صدر شعارهای همه حرکتها اعتراضی جامعه قرار ندارد و مبارزه با حجاب تبدیل نشده به سمبلی برای سرنگونی رژیم آپارتاید جنسی، بگذارید فرض کنیم که علیرغم تا دندان مسلح بودن رژیم و پر بودن خیابانها از ماموران سازمانهای متعدد سرکوب رژیم، دختران و پسران سد آپارتاید جنسی را در ۸ مارسها و چهارشنبه سوریها و ۱۶ آذرها نمی شکنند دست در دست هم به رقص و پایکوبی و اعتراض نمی پردازند. خوب حتی اگر همه این فرضها درست باشد و اکثریت جامعه هم خواهان در انقیاد نگه داشتن زنان باشد، بازهم از حقانیت حرف ما و برنامه ما چیزی کم نمی شود. ما در جواب می گویم این فرهنگ ضد زن و ارتجاعی را باید عوض کرد و باید از همین امروز برای عوض کردن آن دست به کار شد و اولین قدم در این مسیر تغییر فوری و بدون قید و شرط قوانین است. از فردای به قدرت رسیدن ما طبق همین بند برنامه دنیای بهتر که در این شماره نشریه شما هم آمده ما برابری کامل زن و مرد را بعنوان قانون آن جامعه اعلام و آنرا لازم الاجرا می کنیم. همه ادارات و نهادها موظف به اجرای کامل این برنامه خواهند شد. برابری در فرصتها و امکانات و دستمزد و کار قانون خواهد بود و کارفرماها و مدیران ادارات ملزم به اجرای آنها خواهند شد. زن شهروند برابر و کامل جامعه شناخته خواهد شد و هر نوع تبعیضی به او چه در خانه و چه در محل کار و مراکز عمومی جامعه ممنوع اعلام خواهد شد. آنوقت اگر کسی و یا کسانی پیدا شوند که بخواهند زنان را همچنان

در انقیاد نگه دارند و او را کتک بزنند و یا به او تجاوز کنند و یا مانع کار کردن او شوند و یا در حق او تبعیض قائل شوند، خلاف قانون عمل کرده اند و مجرم شناخته می شوند. قانون شدن در همان مرحله اول راه را بر ابراز وجود علنی و آشکار این نوع به انقیاد کشاندنها و تبعیضها خواهد بست و حرکت برای نهادینه کردن این قوانین و تغییر فرهنگ آسانتر خواهد کرد. اما منمهم موافق هستم که فقط با قانونی کردن چیزی نمی توان آنرا تبدیل به فرهنگ عمومی جامعه کرد. سنتهای مردسالارانه و ضد زن بسیار دیرپا و ریشه دار هستند و حتما در مقابل تحولی که جامعه می خواهد از سر بگرداند، مقاومت خواهند کرد. برای مقابله با اینها باید کل جامعه را بسیج کرد، باید يك آموزش بسیار وسیع و همه جانبه را سازمان داد و به همه گوشه و کناره های مملکت راه پیدا کرد و این فرهنگ جدید را اشاعه داد. مدارس باد بجای خرافات و نابرابری به کودکان یاد بدهند که انسانها برابرند و باید با آنها برابر برخورد کرد. رسانه های جمعی و رادیو تلویزیونها می توانند برنامه های آموزشی و علمی و تاریخی برای ترویج و اشاعه برابری تهیه کنند. تیمهای ویژه می توانند تشکیل شوند که برخورد برابر و دادن فرصتهای برابر به زن و مرد را در محیطهای کاری کنترل و تضمین کنند. مراجعی میتوانند تشکیل شوند که زنانی که از دست شوهرانشان کتک می خورند و یا مورد اذیت و آزار قرار می گیرند، بتوانند به آنها مراجعه کنند و کمک بخواهند و غیره. جریانهای مذهبی و کسانی که فرهنگ زن ستیز و ارتجاعی را بازتولید می کنند باید

به حاشیه رانده شوند و مانع شستشوی مغزی کودکان توسط آنها شد. اگر کسی هنوز با زن و بچه اش به شکلی نابرابر و تبعیض آمیز برخورد می کند و موجبات آزارهای روحی و جسمی آنها را فراهم می آورد، مردم محل می توانند در جلسات هفتگی خود و یا در نهادها و تیمهای ویژه ای که مخصوص برخورد به این مسائل تشکیل داده اند، با آنها صحبت کنند و تلاش کنند آنها را آموزش دهند که نادرست بودن کارشان را دریابند و یا طبق قانون آنها را به دادگاه کشانند و مجازات نمایند.

اینها فقط لیست کوچکی از کارهای بیشمار هستند که می توان برای مقابله با مردسالاری و سنتهای عقب مانده و ضد زن انجام داد. اینها همه شدنی و بشدت قابل تحقق هستند و ایران اولین جایی نخواهد بود که چنین تحولی را از سر خواهد گذراند. نگاهی کوتاه به تاریخ کشورهای مختلف دنیا نشان می دهد که علیرغم اینکه سختیها و ناملایمات زیادی در پیش راه بوده، اما انسانهایی که خواهان این تغییرات و متحقق کردن برابری بوده اند، توانسته اند در بدترین و عقب مانده ترین شرایط تغییرات شگفت انگیزی بوجود بیاورند. شوروی را نگاه کنید. وقتی بلشویکها بقدرت رسیدند، کشور روسیه از عقب مانده ترین کشورهای اروپا بود، زنان از کمترین حق و حقوقی برخوردار بودند و قوانین حاکم بر جامعه و فرهنگ مسلط این نابرابری را هر روز بازتولید می کردند. بلشویکها با اعلام برابری زن و مرد در قوانین شروع کردند و برای متحقق کردن آن به دورافتاده ترین نقاط کشور سفر کردند و به آموزش و اشاعه فرهنگی برابر و انسانی پرداختند و تا حدود زیادی موفق شدند. به جنبش سافرجتها و جنبش حق رای در انگلستان و آمریکا در اواخر قرن هیجده و اوایل قرن بیست نگاه کنید، زن در این کشورها از حقوق بسیار ناچیزی برخوردار بود. مرد مالک مطلق بر سرنوشت زن و بچه هایش محسوب می شد و کار کردن و استقلال اقتصادی و دخالت در امورات سیاسی و حق رای و غیره از ممنوعات بود. جنسیت زن و صحبت در مورد آن تابو محسوب می شد و ادعایی بعنوان تجاوز شوهر به زن کاملاً بی معنی بود چرا که طبق قانون مرد بعد از ازدواج بر

جنسیت زن خود حق کامل داشت. برای بدست آوردن همه این حقوق، افراد زیادی در صفوف جنبشی انسانی و آزادیخواهانه، جنبشی برای آزادی و برابری زن مبارزه کرده اند، تلاش کرده اند، زندان رفته اند، شکنجه روحی و جسمی شده اند، از طرف خانواده هایشان و اطرفیان طرد شده اند و کوتاه نیامده اند. حاصل کار این نوع افراد و چنین جنبشی شده دستاوردهایی که تا حدودی دیگر به فرهنگ عامه این جوامع تبدیل شده اند و طبقات حاکمه برای پس گرفتن آنها ساهاست دارند تلاش می کنند و هنوز موفق نشده اند.

تا جایی که به ایران بر می گردد، باید بگویم من شخصا خیلی امیدوار هستم. در ایران از همین الان جنبش عظیمی برای خلاصی فرهنگی وجود دارد و هر روز بالنده تر و وسیع تر ابراز وجود می کند و با چنین فرهنگ رادیکال و مدرن و پیشرونی، متحقق کردن آنچه ما در برنامه يك دنیای بهتر خواهان آن هستیم نباید کار سختی باشد. در ایران، مردم و مخصوصاً قشر جوان نزدیک به سی سال است در مقابل قوانین مذهبی و آپارتاید جنسی ایستادگی کرده اند و نگذاشته اند این قوانین و فرهنگی که جمهوری اسلامی می خواهد بر جامعه مسلط شود. همین جوانهایی که امروز دارند دیوارهای جداسازی و آپارتاید جنسی را در زیر دماغ حکومت خدا در هم می شکنند و دست در دست هم دختر و پسر در خیابانهای تهران و اصفهان و مشهد بر علیه جمهوری اسلامی شعار می دهند و آزادی و برابری را فریاد می زنند، فردای يك انقلاب سوسیالیستی، برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد را تضمین خواهند کرد و آنرا به فرهنگ عمومی تبدیل خواهند کرد. همین جوانها وقتی قانون پشتشان باشد، نخواهند گذاشت عده ای طلبه و مترجم مزاحم سرکار رفتن زنان شوند و یا در خیابان برای آنها مزاحمت ایجاد کنند و یا به پای کسی تیغ بکشند و روی صورت کسی به جرم آرایش کردن اسید بپاشند. بسیاری از این مبارزات فرهنگی تا همین حالا انجام شده. راه درازی را این جوانان پیموده اند و مسیر برای رهایی کامل زن کوبیده شده است. *

برابری زن و مرد، ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی‌های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت‌های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت‌ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش‌های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی‌الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت‌ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت‌انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام‌ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان‌ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگردد. ایجاد انعطاف‌پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش‌های محروم‌تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدر میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج

کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی‌نشیند.

حزب کمونیست کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رؤس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

۱- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی‌ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه‌ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو

بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۴- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه‌ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در اداء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه‌های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه‌ها، مرخصی‌ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه‌ها برای تضمین ادامه کاری حرفه‌ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات‌های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه‌ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه‌ای و محیط‌های کار اعم از دولتی و غیردولتی و انتفاعی و غیرانتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه‌ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه‌ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه‌ها و مهد کودک‌ها و کلوب‌های تفریحی - تربیتی

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک‌های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب‌ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال

میکنید: میتوانید از طریق

دوستانتان در خارج به

حساب‌های فوق واریز

کنید، و یا با شماره

تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه‌های

دیگر را به شما معرفی کنیم

تقاضا میکنیم در همه موارد

میزان و مشخصات مبلغ واریز

شده و اسمی که باید اعلام شود

را به ما اطلاع دهید.

ذریع دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.*

۶- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای

جمهوری اسلامی را بعنوان حکومت آپارتاید جنسی محکوم کنید!

مینا احدی چند هیئت اتحادیه اروپا را ملاقات کرد و از آنها خواست برای دانشجویان زندانی جمهوری اسلامی اقدامات عاجلی در دستور بگذارند

جنایتکار، ضدن، آدمکش و منفور است و اتحادیه اروپا و باید به افکار عمومی احترام بگذارند و جمهوری اسلامی را بعنوان يك حکومت آدمکش، و بعنوان حکومت آپارتاید جنسی محکوم نمایند.

روز بعد از ملاقات با مینا احدی و يك روز قبل از ملاقات با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، اتحادیه اروپا طی قطعنامه ای جمهوری اسلامی را بخاطر اعدام کودکان شديدا محکوم کرد.

این ملاقات ها گوشه ای از فعالیت سیاسی، آکسیونی و لابی ایستی برای جلب توجه افکار عمومی جهانی به وضعیت دانشجویان و زندانیان سیاسی است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۵ ژانویه ۲۰۰۸

آنها قرار داده شد و موقعیت خطرناک شهلا جاهد و علت دستگیری و سرنوشت او برای این هیئت توضیح داده شد. این ملاقات يك ساعت بطول انجامید و اطلاعات و اسناد و مدارك كافی درمورد دانشجویان زندانی و فراخوان خانواده به هفته همبستگی به آنها ارائه شد.

الکساندر اشتوتسمن، گفت که همه این موارد را سریعاً به اطلاع رئیس اتحادیه اروپا خواهد رساند و تلاش خواهند کرد همه این موارد را پیگیری کنند.

در این ملاقاتها مینا احدی بر ضرورت فشار اتحادیه اروپا علیه این سرکوبگری ها، اقدامات عاجل برای آزادی فوری دانشجویان زندانی و زندانیان سیاسی، و بر ضرورت تجدید نظر در برخورد به جمهوری اسلامی تاکید کرد و از اتحادیه اروپا خواست که این جنایات را علناً و دانما محکوم کنند. مینا احدی تاکید کرد که از نظر افکار عمومی در غرب جمهوری اسلامی حکومتی

دانشجویان و کمپین برای آزادی آنها، احکام گسترده اعدام در ایران و خطر اعدام شهلا جاهد صحبت شد و مجموعه اطلاعات و اسناد کاملی از اسامی و عکس دانشجویان دستگیر شده و زندانی، متن نامه های اعتراضی و همچنین اخبار دقیق مربوط به اعدامها و نقض حقوق انسانی در ایران به دفتر آنها ارائه شد.

سومین ملاقات با هیئتی از طرف رئیس اتحادیه اروپا بود. اعضای این هیئت به سرپرستی الکساندر اشتوتسمن با مینا احدی ملاقات کردند. در این نشست علاوه بر آخرین اطلاعات درمورد دانشجویان زندانی و شرایط آنها، در مورد نقض سیستماتیک حقوق انسانی در ایران، قتل ابراهیم لطف الهی در سنندج، احکام فزاینده اعدام و دستگیری هزاران زن در خیابانها به بهانه بد حجابی صحبت شد، درمورد دست و پا بریدن و حکم جنایتکارانه اعدام به شیوه پرتاب از بلندی اطلاعات کامل در اختیار

مورد احکام فزاینده اعدام و حکم پرتاب دو نفر از کوه و دست و پا بریدن پنج نفر در سیستان و بلوچستان صحبت شد. آخرین اطلاعات درمورد دانشجویان زندانی از جمله عکس آنها، متن فراخوان خانواده های دانشجویان زندانی و دانشجویان دانشگاههای مختلف برای برگزاری هفته همبستگی و همچنین فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در اختیار این هیئت قرار گرفت.

دومین ملاقات با همکاران آنجلیکا به بود. آنجلیکا به نماینده پارلمان اروپا و یکی از مسئولین بخش ایران اتحادیه اروپا است که در اس هیئتی در روزهای ۷ تا ۹ دسامبر در تهران بود و با نمایندگان مجلس اسلامی و همچنین با فعالین چند سازمان غیر دولتی، با تعدادی از زندانیان سیاسی و خانواده های آنها ملاقات کرد. در ملاقات مینا احدی با این هیئت درمورد دستگیریهای

روز پنجشنبه ۲۴ ماه ژانویه، مینا احدی با سه هیئت از اتحادیه اروپا و همچنین با مسئولین سازمان زنان اروپا، "مرکز زنان اروپا"، ملاقات کرد. ملاقات با هیئت های اتحادیه اروپا در رابطه با فراخوان خانواده های دانشجویان و دانشجویان چندین دانشگاه برای آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی صورت گرفت و در ملاقات با مرکز زنان اروپا علاوه بر دانشجویان زندانی درمورد سرکوب زنان و دستگیری گسترده زنان بخاطر بدحجابی صحبت شد.

ملاقات با هیئت های اتحادیه اروپا

نخستین ملاقات با دو نفر از همکاران میثائیل گالر از بخش حقوق بشر پارلمان اروپا بود. در این نشست به تفصیل در مورد اعتراضات اخیر در دانشگاههای ایران و موج دستگیری دانشجویان و شکنجه آنها و قتل ابراهیم لطف الهی در سنندج توسط جمهوری اسلامی صحبت شد. همچنین در

کتاب زندگی نامه مینا احدی در ماه فوریه به زبان آلمانی منتشر میشود!

اسم کتاب: من از مذهب رویگردانم!

زیر تیر: چرا من برای آزادی و بر علیه اسلام مبارزه میکنم

نویسندگان این کتاب: مینا احدی با همکاری سينا فوگت

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و در سطح وسیع

توزیع کنید

سوسیالیسم

پا خیز!

برای

رفع تبعیض

گزارش تهیه کرده اند عبارتند از: Spiegel, نشریه هفتگی WDR, رادیو RBB, رادیو SWR, تلویزیون آلمانی زبان میباشد. ما همینجا این اقدام با ارزش مینا احدی و همکارانش را به همه انسانهای آزادیخواه و ضد مذهب تبریک میگوییم. قطعاً انتشار این کتاب بیش از پیش نقش و جایگاه جنبش ضد مذهبی و جنبش سکولاریسم نو را به جهانیان معرفی میکند.

شورای مرکزی سازمان اکس مسلم- آلمان

کتاب "من از مذهب رویگردانم" از ماه فوریه در کتابفروشی های آلمان و کشورهای آلمانی زبان قابل دسترس است.

این کتاب با يك جلسه کتابخوانی و کنفرانس علنی در شهر برلین در روز ۲۷ فوریه ۲۰۰۸ به عموم معرفی خواهد شد. از هم اکنون تعدادی از رسانه ها و خبرنگاران برای معرفی این کتاب با مینا احدی مصاحبه کرده و یا وقت مصاحبه را تعیین کرده و از اول فوریه این مصاحبه ها منتشر خواهند شد. از جمله رسانه هایی که تا کنون در این زمینه مصاحبه و

مینا احدی در این کتاب از نقش منصور حکمت در تحولات عظیمی که در چپ ایران ایجاد کرد و از تأثیرات عمیق او در دامن زدن و شکل دادن به يك جنبش دفاع از انسانیت و حرمت انسان تفسیر و تحلیل خود را بیان کرده است. او در این کتاب از دورانهای متحولی که جامعه ایران از آن عبور کرده و از اوضاع سیاسی کنونی در ایران و جهان حرف میزند. این کتاب همچنین تصویری جانبدارانه و خواندنی از نقطه عطفهای سیاست در ایران و نیروهای دخیل در آن است.

من از مذهب رویگردانم. مروری بر زندگی و فعالیت های پربار و بسیار آموزنده مینا احدی در ایران و در سطح بین المللی است. کتاب زندگینامه مینا احدی از جانب يك انتشاراتی معروف آلمانی به اسم "انتشارات هاینه" منتشر شده است. این کتاب از شرایط خانوادگی مینا احدی تا فعالیت های سیاسی او در دوران انقلاب ۱۳۵۷ و نقش اسلام سیاسی در سرکوب خونین انقلاب مردم از فعالیت مینا در کردستان تا اوضاع سیاسی ایران و جریانات دخیل در سیاست ایران سخن میگوید.

از صفحه ۱ گفتگو با مینا احدی و شهلا دانشفر

استثنایی است جالب بر قاعده.

انترناسیونال: مشخصاً موقعیت زندگی و مبارزه زنان در ایران جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی میکنید؟

شهلا دانشفر: ابعاد وحشتناک ستمگری علیه زنان در ایران روشن و آشکار است. جمهوری اسلامی را همگان به درست حکومتی ضد زن میشناسند. حجاب و آپارتاید جنسی دو سمبل شناخته شده این رژیم است و زن ستیزی هویت پایه ای آن. اگر کسی به پرونده و سرگذشت قربانیانی چون کبری رحمانپور، افسانه نوروزی، شهلا جاهد، عاطفه رجبی و راحله دختری که اعدام شد و صدها زن دیگری که به سنگسار و اعدام و به زندان محکوم شده اند، نگاهی بیندازد فوراً متوجه میشود که چه جهنمی را بر زنان تحمیل کرده اند. از همین رو وقتی از موقعیت و زندگی زنان در ایران صحبت میکنیم، صرفاً با کلمات "تبعیض" و "نابرابری" به مفهومی که شناخته شده است نمیتوان آنرا توضیح داد. بحث بر سر تلاش برای راندن زنان یعنی نیمی از جامعه به موقعیتی غیر انسانی است. بحث بر سر یک آپارتاید جنسی به مفهوم دقیق کلمه است. بحث بر سر تلاش رسمی و قانونی و نقشه مند برای محروم کردن زنان از حداقلهاست. ممکن است نابرابری و تبعیض علیه زنان در جایی وجود داشته باشد اما زن حقوق ساده ای مثل حق انتخاب لباس و تصمیم در مورد ازدواج و امکان خندیدن و حرف زدن و تصمیم در مورد نحوه لباس پوشیدنش را داشته باشد. اینجا همه این حقوق حداقل و بدیهی موضوع جنگ با رژیم بی نهایت وحشی و ارتجاعی است.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی از همان آستانه روی کار آمدنش با حمله به زنان و با شعار "یا روسری یا توستری" حمله خود را به جامعه شروع کرد. اوپاش حزب الله اش به روی زنانی که زیر بار این تهاجم نمیرفتند، تیغ کشیدند و اسید پاشیدند و همواره حمله به زنان تحت عنوان مبارزه با بدحجابی، یک جزو دائمی تعرض رژیم به جامعه و تلاش آن برای تثبیت حاکمیت خود بر مردم بوده است. امروز نیز می بینیم که جمهوری اسلامی با انواع

اقسام طرح های بیمارگونه تحت عنوان امنیت اجتماعی و غیره همواره زنان را تحت عنوان "مبارزه با بدحجابی" مورد تعرض قرار میدهد و در آمارهای خودشان از ابعاد دهها هزار نفره زنانی که زیر بار قوانین ارتجاعی اسلامی نمیروند و به اصطلاح بدحجاب هستند، سخن میگویند.

رژیم اسلامی همچنین با طرحهای مختلفی برای به اجرا در آوردن آپارتاید جنسی در جامعه، زنان را به لحاظ اجتماعی مورد تعرض وسیعی قرار داده است. از جمله جدا سازی زنان و مردان در محیط های کار، در کارخانه و در مدرسه، و نیز تلاش برای جداسازی دانشجویان دختر و پسر، تلاش برای جدا کردن پارک های تفریحی، تلاش برای بالا کشیدن دیوار مدارس دخترانه و به قول خودشان استتار آنها از چشم نامحرم و بالاخره نمونه آخر آن طرح جدا سازی کتب درسی دختران و پسر، همه و همه نمونه های بارز کل هویت ارتجاع اسلامی است.

بدین ترتیب جمهوری اسلامی با حاکمیت قوانین ارتجاعی اسلامی خود از یکسو و از سوی دیگر با حمایت و تقویت عقب مانده ترین تفکرات خرافی و ارتجاعی در سطح جامعه، زنان را همواره تحت فشار بیشترین تعرضات و فشارها قرار داده است. بطوریکه هم اکنون شاهد این هستیم که آمار خودکشی و خود سوزیها در میان زنان بیداد میکند و چه بسا براند دختران جوانی که زیر فشار همین عقب ماندگی ها ناگزیر در سنین بسیار پایینی، از خانه و زندگی خود می گریزند و به کام باندهای فحشا و اعتیاد افتاده و زندگیشان به تباهی کشیده میشود.

به لحاظ اقتصادی نیز زنان تحت بیشترین فشارها قرار دارند و حتی در بهترین حالت در موقعیتی بسیار نابرابر نسبت به مردان قرار دارند. زنان در جامعه تحت حاکمیت اسلامی با موانع بیشماری برای کارکردن و شغل پیدا کردن مواجهند. آنها هم که با همه مشقات و موانع کاری دارند با تبعیضات مختلف دست و پنجه نرم میکنند. زنان را به راحتی از کار اخراج میکنند. در بسیاری از عرصه های کار، در برابر کار برابر، به زنان دستمزدی بسیار نازلتر از مردان پرداخت میشود و اینها همه بخش مهمی از تعرض هر روزه رژیم

اسلامی نه تنها به زنان بلکه به کل جامعه بوده است و از همین رو مبارزه برای برابری زن و مرد، مبارزه علیه تبعیض و ستم بر زنان یک جزء مهم مبارزه علیه رژیم اسلامی در ایران است.

اما در مقابل همه این تعرضات، در مقابل اینهمه ستم کشی، جنبش رهایی زن، هیچگاه تمکین نکرده و عقب ننشسته است و از همان آغاز حکومت جمهوری اسلامی مبارزه علیه تبعیض و نابرابری زن و مرد یک عرصه مهم و مداوم اعتراض علیه این رژیم بوده است. از جمله در هشت مارس ۵۸ هنگامیکه رژیم اسلامی فرمان حجاب اجباری را اعلام کرد، زنان با مارش با شکوه خود به خیابان آمدند و با شعار نه روسری نه توستری پاسخ خود را دادند. امروز نیز یک عرصه مهم نبرد با این رژیم مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی در کوچه و خیابان و در محیط های کار و در همه جاست. جنبشی که همواره در مناسبت های مختلف، در هشت مارس ها، در شانزده آذر ها و در اول مه ها و ... در شعارها و در قطعنامه هایی که داده شده، ابراز وجود کرده و حضور قدرتمند خود را به نمایش گذاشته است. کفایت به آماري که خود مقامات دولت از میزان بدحجابانی که در همین مدت طی اجرای طرح امنیت اجتماعی شان داده اند، نگاهی بیندازیم تا ببینیم که در چه ابعاد توده ای و اجتماعی ای دارد با حجاب و قوانین اسلامی مقابله میشود. بطوریکه امروز می بینیم در اوج استیصال و در دعوای درونی شان، دارند از شکست اجرای این طرح سخن میگویند و صحبتشان این است که اگر طرح امنیت اجتماعی را به ناچار متوقف کنند، با بدحجابی مطلق روبرو میشوند.

اینها همه موقعیت مبارزاتی زنان در برابر توحش رژیم اسلامی در ایران را به سادگی به نمایش میگذارد. بگذریم که در عرصه های اجتماعی و اقتصادی نیز رژیم اسلامی هیچگاه موفق به خانه نشین کردن زنها نشده است. از جمله بنا به آمار خودشان ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاهها را زنان تشکیل میدهند. بطوریکه حضور قدرتمند زنان در عرصه اجتماعی، جمهوری اسلامی را ناگزیر به قبول نیروی آنها در چرخه اقتصاد جامعه کرده است.

در یک کلام ما امروز با یک جنبش قوی و بالنده برای آزادی و رهایی زن در ایران روبرویم. جنبشی چپ، رادیکال و ماکسیمالیست. این جنبش را همانطور که اشاره کردم در مناسبت هایی چون شانزده آذرها و هشت مارس ها، در آنجا که دختر و پسر دست در دست هم شعار داده و در عمل دیوارهای آپارتاید جنسی را شکسته اند بخوبی میتوان دید. این جنبشی است که در شانزده آذر همین امسال و در شعارهایش آنجا که از اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش زنان و جنبش کارگری سخن میگفت و با پلاکاردهای نه به حجاب، رهایی زن رهایی جامعه است، حضور قدرتمندش را شاهد بودیم. شانزده آذری که در آن بیش از هر وقت زنان آزادیخواه در صفوف جلوی این مبارزه و پشت تریبونها قرار گرفتند و از آزادی و برابری سخن گفتند. این جنبشی است که اجازه نداد روز اسلامی فاطمه زهرا و یا روز کشف حجاب شاهنشاهی را روز زن قلمداد کنند و هر ساله با گرامیداشت ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن، سوسیالیسم و آزادی و برابری را فریاد زد.

انترناسیونال: موانع اصلی در مقابل آزادی و برابری زنان در جامعه ایران چه ها هستند؟ جمهوری اسلامی؟ فرهنگ اسلامی و مردسالارانه در جامعه؟ هر دو؟ این سؤال به این دلیل مطرح است که عده ای در اینرسیون این را تبلیغ میکنند که مسئله مذهب و اسلام و جمهوری اسلامی اساساً نیست، بلکه این فرهنگ مردسالارانه است که این وضعیت را به زنان تحمیل میکند.

مینا احدی: معضل اصلی زنان در ایران طبعاً جمهوری اسلامی است. حکومتی که قصد داشت زنان را به موقعیت زنان در دوران قرون وسطی برگرداند. حکومتی که همه حقوق انسانی و مدنی و فردی زنان را با زور قانون و پاسدار و زندان و شلاق و اسید از آنها سلب کرد و با تمام قدرت از زنان خواست که به عنوان بردگان بی حقوق و بی احساس و رام و ساکت، به مردان، به اراذل و اوپاش حکومتی و به الله که ظاهراً او هم یک مرد است، خدمت کنند. این اتفاق نیفتاد. زنان در ابعادی میلیونی مقاومت کردند و راستش راه دیگری هم برای زنان نبود. برای

از صفحه ۷ گفتگو با مینا احدی و شهلا دانشفر

دفاع از رنگ لباس و لاک ناخن و جوراب و مدل کفش و یا چکمه گرفته تا دفاع از انسانیت و حقوق انسانی و حق طلاق و تکفل و تا دفاع از رابطه جنسی آزادانه و غیره زنان باید می ایستادند و مبارزه میکردند. رابطه مردسالاری و فرهنگ شوینیستی با حکومت، بنظر من یک رابطه مستقیم است. این حکومت، مدافع و مبلغ سرسخت مردسالاری و فرهنگ لمپنی شوینیستی اسلامی است که بعضا مردان به آن لم میدهند و از قبل آن نفع میبرند. اما گفتن اینکه معضل زنان، فرهنگ مردسالارانه است و نه حکومت، سوراخ دعا را گم کردن است. البته اینرا کسانی می گویند که خودشان حکومت اسلامی کمک تلطیف شده تر را می پسندند و بند نافشان با آخوند و نماز و اسلام و مذهب و حجاب بریده شده. اینها برای پس زدن یک جنبش عظیم اجتماعی علیه زن ستیزی و فرهنگ ماچویستی اسلامی، در موضع "مشکل اساسا فرهنگی است" سنگرمی گیرند، چرا که به عینه می بینند جنبش نفرت و انزجار اجتماعی علیه آخوند و مذهب و زن ستیزی ریشه همه اینها را خواهد زد.

انترناسیونال: برای مبارزه با نابرابری زنان چه باید کرد؟ کار فرهنگی؟ کار سیاسی؟ مبارزه با جمهوری اسلامی؟ همه باهم؟

شهلا دانشفر: ببینید برای مبارزه با نابرابری زنان به یک معنی همه این کارهایی که اشاره کردید را باید انجام داد. اما همه آنها در حوزه مبارزه سیاسی قرار میگیرد. چرا که نابرابری موقعیت و حقوق اجتماعی زن و مرد بطور بلاواسطه سیاسی است. اینطور نیست که مردم بخاطر ناآگاهی تن به این نابرابری داده اند. بلکه دولت و ارتش و سپاه پاسدار و خیلی از باندهای سرکوب دولتی پشت آن هستند. منافع معینی پشت آن قرار دارد. برای حفظ این نابرابری پول هزینه میشود. ارتش و دولت به خدمت گرفته میشود تا در شکاف این نابرابری ها بتوان کل جامعه را مورد تعرض قرار داد. بتوان در صفوف طبقه کارگر شکاف

ایجاد کرد و کل کارگران را مورد تهاجم قرار داد و بتوان با پایین آوردن استانداردهای بشری در جامعه، کار ارزان و کارگر خاموش را بخدمت گرفت. حال در حاکمیت جمهوری اسلامی که مظهر زن ستیزی و توحش است، ابعاد این نابرابری صد چندان میشود و پاسخ روشنتر است.

به نظر من اولین مانع برای برابری زن و مرد جمهوری اسلامی است و باید این رژیم را به زیر کشید. بطور واقعی نیز مبارزه علیه تبعیض بر زنان، همواره یک عرصه دائمی مبارزه علیه رژیم و علیه قوانین ارتجاعی اسلامی آن بوده است. از جمله در مبارزه علیه حجاب، مبارزه علیه آپارتاید جنسی، مبارزه علیه نابرابریها در کلیه شئون اجتماعی همه و همه قبل از هر چیز این رژیم اسلامی است که به چالش کشیده میشود.

اجازه بدهید بحثم را روشنتر بیان کنم. بدون جدایی مذهب از دولت، بدون جدایی دین از آموزش و پرورش، بدون مذهب زدایی از جامعه و کلیه امور اجتماعی و لغو همه قوانین اسلامی و ضد زن، و نیز بدون مقابله با مردسالاری و کلیه سنتهای ملی- اسلامی عقب مانده و ارتجاعی ضد زن سخن گفتن از برابری زن و مرد پوچ است. بنابراین یک رکن مهم مبارزه برای برابری زن و مرد به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است. حتی جنبه فرهنگی این مبارزه نیز مستقیما به مبارزه علیه این رژیم ربط پیدا میکند. زیرا همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی حامی عقب مانده ترین عقاید، سنن و خرافات حاکم بر جامعه و حفظ و بقای آنهاست. از همین رو حتی مبارزه در سطح فرهنگی نیز فوراً رنگ و بوی سیاسی میگیرد.

بنابراین جنبش رهایی زن وزن مهمی در جنبش سیاسی و اعتراضی و سرنگونی طلبی در ایران دارد. جنبشی بالنده که باید با شعارهای جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، نه به حجاب نه به آپارتاید جنسی و برای برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی، حول خواستهای

برابری طلبانه رادیکال، سکولار و ماکسیمالیستی خود متحد شود و با نقد و افشای همه جریانات و نیروهایی که با تخفیف دادن به قوانین شرعی و سیستم حقوق مذهبی موجود بعنوان مانعی بر سر راه آزادی زنان عمل میکنند، صفوف خود را متحد و متشکل کند.

انترناسیونال: نقش زنان در انقلاب آتی ایران را چگونه ارزیابی میکنید؟

مینا احدی: این یک نقش محوری و حیاتی خواهد بود. بند ناف حکومتی که در ایران سرکار است، با پس راندن زنان به موقعیت انسانهای درجه چندم بریده شده. اولین حملات دیناسورهای اسلامی و رهبرشان خنثی بر علیه زنان بود و تا همین امروز هم یک شاخص مهم این حکومت حمله و قبحانه و وحشیانه در ابعادی غیر قابل تصور بر علیه زنان است. در ایران مذهب و قوانین الهی در پوزیسیون است و هر زنی که حق طلاق میخواهد و یا آزادی و برابری را طلب میکند، بنا به تعریف باید به خدا و پیغمبر بد و بیراه بگوید که چنین اوضاعی را برایش تدارک دیده اند. در ایران یک جنبش اعتراضی قوی بر علیه مذهب و اسلام، بر علیه حکومت جنایتکار اسلامی و بر علیه سنتهای مردسالار و ضد زن در جریان است. هر حرکت اعتراضی زنان، مستقیما گلولی رژیم را فشار میدهد و به این معنی تا همین امروز جنبش علیه حجاب و آپارتاید و زن ستیزی یک جنبش قوی و موثر در ایران است. در انقلاب آتی در ایران، معضل زنان و ستمکشی زنان و بی حقوقی مطلق آنها یک موضوع حیاتی خواهد بود. اگر جمهوری اسلامی با سرکوب زنان و با حمله به آنها اولین قدمها را در سرکوب انقلاب ۵۷ برداشت، این بار جنبش برابری طلبانه زنان با مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی، با مبارزه علیه همه قوانین و سنتهای عقب مانده در ایران، ضربات مهلکی بر این رژیم و بر مردسالاری و فرهنگ ضد زن وارد کرده و در انقلاب آتی در ایران پیشتاز حمله به حکومت و کلیت سیستم و قوانین و مقررات خواهد بود.

انترناسیونال: برنامه های حزب کمونیست کارگری در استقبال از ۸ مارس روز جهانی زن چیست؟

شهلا دانشفر: جمهوری اسلامی همانگونه که میدانیم و اینجا هم اشاره کردم یک رژیم آپارتاید جنسی است. ابعاد زن ستیزی و جنایات این رژیم بر جهانیان آشکار است. ما در ۸ مارس امسال با شعار رژیم آپارتاید جنسی را محکوم کنید، کمپینی قدرتمند را در دستور داریم و حول این خواست تلاش میکنیم که انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان را به حمایت و همبستگی با جنبش رهایی زن در ایران فرا بخوانیم. ما در ۸ مارس امسال از همه انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان میخواهیم رژیم اسلامی را بخاطر زن ستیزیش و بخاطر جنایاتش محکوم کنند و آنرا از همه مراجع بین المللی اخراج و طرد کنند. ما در ۸ مارس امسال در تدارک مراسم بزرگ در انگلیس و آلمان و سوئد و کشورهای مختلف جهان هستیم و با دعوت فعالین سرشناس و رادیکال این عرصه در سطح جهانی تلاش میکنیم که کمپین اعتراضی خود علیه رژیم آپارتاید جنسی در ایران را به جلو بریم و بیشترین حمایت ها را از جنبش برای آزادی زن در ایران را جلب نماییم.

در ایران نیز نه به حجاب و نه به آپارتاید جنسی بعنوان اعتراض ما به این سمبل های ارتجاعی و بربریت رژیم اسلامی است و ما در تلاش بسیج و به حرکت در آوردن بخشهای هرچه وسیعتری از زنان و بخشهای مختلف مردم برای برپایی یک هشت مارس بزرگ بعنوان یک روز اعتراض مهم علیه ستم کشی زن در جامعه هستیم. از همین روز حرف ما اینست که در هشت مارس امسال که در عین حال صدمین سالگرد هشت مارس است باید با شعارهای نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب، نه به تبعیض، زنده باد سوسیالیسم به استقبال صدمین سالگرد هشت مارس در ایران برویم و در و دیوارها را با این شعارها پر کنیم.

امسال ما در شرایط ویژه ای به استقبال ۸ مارس میرویم. ما شانزده آذر سرخ را پشت سر گذاشتیم. شانزده آذری که جنبش برای برابری زن و مرد جایگاه مهمی در آن داشت

و "جنبش دانشجویی متحد جنبش زنان و جنبش کارگری" یک شعار برجسته و مهم آن بود. شانزده آذری که به اسم چپ به میدان آمد و رنگ خود را بر اوضاع سیاسی جامعه زد. در چنین شرایطی ما به استقبال یک هشت مارس بزرگ و با شکوه میرویم و با پلاکاردهای زنده باد سوسیالیسم، زنده باد آزادی، زنده باد برابری، گرامی باد هشت مارس را به شانزده آذر سرخی که پشت سر گذاشتیم وصل خواهیم کرد و اعلام خواهیم کرد که جنبش برای آزادی و برابری عقب ننشسته و با زندان و سرکوب نیز عقب نمی نشیند. ما در هشت مارس امسال رساتر از هر وقت شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را فریاد خواهیم زد و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دانشجویان دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی خواهیم شد.

ما امروز در یک موقعیت خطیری قرار داریم و باید بکوشیم با برپایی یک هشت مارس بزرگ تعرض رژیم به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و زندانی کردن دانشجویانی که به اسم چپ به میدان آمدند را پاسخ دهیم و سنگرهای بدست آمده تا کنونی چپ و آزادیخواهی در جامعه را تثبیت کنیم

ما همه انسانهای آزادیخواه را به تدارک اجتماعات بزرگ و با شکوه در دانشگاهها، در خیابانها و میدانی اصلی شهرها فرامیخوانیم تا در این روز با قطعنامه ها و بیانیه های خود کيفرخواست خویش علیه ستم کشی زن در این جامعه را اعلام کنند و فریاد آزادی و برابری را سردهند.

ما انتظار داریم که فعالین چپ و رادیکال در جنبش برای برابری زن و مرد نیز با همین تصویر و چشم انداز به استقبال هشت مارس بروند. ما همه تلاشمان را خواهیم کرد که با برپایی یک هشت مارس قدرتمند با شعارهای نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب، نه به تبعیض، زنده باد سوسیالیسم، این روز را به یک روز مهم تاریخی تبدیل خواهیم کرد.

اینها خطوط کلی حرکت ما در هشت مارس امسال است و برای آن با تمام قوا تلاش خواهیم کرد و همه فعالین چپ و رادیکال جنبش رهایی زن را فرامیخوانیم که در هشت مارس تریبون ها را از آن خود کنند و فریاد این اعتراض باشند.*

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.



پرویز کامبخش

حکم اعدام پرویز کامبخش در افغانستان محکوم است!

پرویز کامبخش دانشجوی رشته روزنامه نگاری در دانشگاه بلخ و خبرنگار روزنامه جهان نو در استان بلخ، روز سه شنبه از سوی دادگاهی به "جرم" اهانت به دین اسلام در افغانستان به اعدام محکوم شده است. علت محکومیت به اعدام کامبخش پخش چند نسخه از مقاله ای با عنوان "آیات زن ستیز در قرآن" در میان دوستانش اعلام شده است. حکم اعدام پرویز کامبخش، ادامه سرکوب سکولارها و آزادیخواهان افغانستان توسط دولت پرو آمریکا کرزای است. این دولت از روزی که در کاخ زمستانی شهر بن آلمان زائیده و تحویل جامعه افغانستان داده شد، هیچگاه و هیچ

زمانه سکولاریسم را به رسمیت شناخت، نه حقوق مدنی مردم، نه آزادی بیان، نه لغو مجازات اعدام و نه کوچکترین احترامی به حقوق زن. حکومت افغانستان یک حکومت سر هم بندی شده از اسلامی ها، شیوخ مرتجع و قوم پرستان افغانستان است که دول غرب برای مردم افغانستان سر هم بندی کردند. دول غرب چنین دولت هائی را شایسته مردم افغانستان و کل خاورمیانه میدانند. اما تصویرشان از مردم منطقه بویژه در ایران تماما شکست خورده و طرح ها و سیاست ها و حامیان منطقه ای شان را بی آبرو کرده است. توسل به اعدام استیصال اینها را به نمایش میگذارد. نباید گذاشت جنبش

سکولاریستی و ضد دینی در افغانستان تاوان شکست اینها را بپردازد!

حزب کمونیست کارگری حکم اعدام پرویز کامبخش را شدیداً محکوم میکند و همه آزادیخواهان را به مبارزه برای لغو حکم اعدام پرویز کامبخش و دفاع از سکولاریسم و حقوق مدنی مردم افغانستان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ ژانویه ۲۰۰۸، ۴ بهمن ۱۳۸۶

محاصره نوار غزه توسط دولت اسرائیل محکوم است!

مردم فلسطین در منگنه جنایات
تروریسم دولتی اسرائیل و تروریسم اسلامی

نیم دلار در روز درآمد دارند، بیش از پیش به حماس وابسته میکنند. از سوی دیگر حماس و جریانات ارتجاعی در فلسطین به سهم خود بهانه های لازم فراهم میکنند تا دولت دست راستی و ارتجاعی ترین جریانات در اسرائیل بتوانند جنبش سکولار و صلح طلب در آن کشور را عقب برانند و این دایره شوم جنایت و قلداری و نابودی زندگی مردم را ادامه دهند. تنها مردم آزاده، طبقه کارگر و سوسیالیست ها هستند که میتوانند و باید به نیروی اعتراض و اتحاد خود به جنایت های این قطب های ارتجاع که بر اسرائیل و مردم فلسطین حاکم اند، پایان دهند و زندگی آزاد و برابر را برای مردم داغیده فلسطین و همه مردم منطقه بنیان نهند.

حزب کمونیست کارگری محاصره نوار غزه و اقدامات دولت اسرائیل را قویاً محکوم میکند و خواهان این است که محاصره مردم نوار غزه فوراً خاتمه یابد و اعمال جنایتکارانه دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین متوقف گردد. ما همچنین خواهان کوتاه شدن دست حماس و همه جریانات ارتجاعی از زندگی مردم فلسطین هستیم. اولین قدم در این راه این است که دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی برسمیت شناخته شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ ژانویه ۲۰۰۸، ۴ بهمن ۱۳۸۶

آنچه که این روزها بر حدود یک و نیم میلیون مردم نوار غزه میگذرد برآستی شرم آور است. بعد از مدتها تحریم اقتصادی و تضيیقات گوناگون، در هفته اخیر حتی ارسال غذا و دارو و سوخت به این منطقه توسط دولت اسرائیل تقریباً به تمامی مسدود شده است. بیش از ۸۰ درصد مردم این منطقه به کمک های سازمان ملل برای تهیه غذا وابسته اند و ارسال این کمک ها توسط دولت اسرائیل متوقف شده است. روزانه بسیاری و بویژه کودکان بخاطر کمبود دارو و امکانات پزشکی جان میدهند و علاوه بر اینها دهها نفر در حملات اسرائیل به نوار غزه به قتل رسیده اند. مسئول مستقیم این جنایت عیان علیه بشریت در وهله اول دولت اسرائیل و دول غربی هستند که همواره از آن حمایت کرده اند.

سیاست های جنایتکارانه دولت اسرائیل مستقیماً به نفع جریانات اسلامی و ارتجاعی در فلسطین و نوار غزه تمام میشود. این فشارها و کشتار بلاتبعیض انسانها خود مهمترین منبع سربازگیری جریانی چون حماس است که از جانب جمهوری اسلامی و دیگر جریانات ارتجاعی منطقه حمایت میشود. تحریم ها و محدودیت های اعمال شده از جانب اسرائیل زندگی مردم نوار غزه را که حدود ۵۰ درصد بیکارند و ۹۰ درصد آنها در زیر دو و

جلسات گفتگو با حمید تقوائی در چت روم اینسپیک و پلتاک گفتار این هفته

جمهوری اسلامی چگونه سرنگون میشود؟ بحثی در مورد مکانیسم شکل گیری انقلاب در ایران

زمان: جمعه ۱۲ بهمن ۱۳۸۶، ۱ فوریه ۲۰۰۸
ساعت ۹:۳۰ شب بوقت ایران
۷ شب بوقت اروپای مرکزی
۱ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا
مکان: اطاق ایران - با حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



آزادی برابری حکومت کارگری

یا بربریت یا سوسیالیسم

یک زمین، یک نژاد آنهم نژاد انسان

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046-8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

گوشه ای از فعالیت‌های جهانی حزب در حمایت از هفته همبستگی با دانشجویان

برگزاری نمایشگاه عکس در شهرهای آلمان

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران در دفاع از مبارزات دانشجویان و برای آزادی فوری دانشجویان دستگیر شده در جریان

تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در فرانکفورت، از اول ژانویه اقدام به برپایی نمایشگاه و میز اطلاعاتی در فرانکفورت کرده و هر هفته از چهارشنبه تا جمعه هزاران نفر از آن بازدید میکنند. موضوع نمایشگاه دانشجویان و زندانیان



گوشه ای از نمایشگاه عکس در فرانکفورت

اعتراضات آذر ماه اقدام به برپایی نمایشگاه عکس و میزهای اطلاعاتی در چندین شهر آلمان کرده است. این نمایشگاهها مدت بیش از سه هفته است که در شهر فرانکفورت آلمان شروع شده است. تا کنون هزاران نفر از این نمایشگاه دیدن کرده، و لیست محکومیت جمهوری اسلامی را امضا نموده و از خواستههای این کمپین و از آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی حمایت نموده اند.

در ادامه این برنامه ها از اوایل هفته آینده دوباره نمایشگاههای عکس و میزهای اطلاعاتی در چندین شهر آلمان برگزار خواهد شد.

دور سوم نمایشگاه عکس در دانشگاه فرانکفورت برگزار شد

تظاهرات در میزهای اطلاعاتی و پتیشن در حمایت از دانشجویان زندانی گذاشتن میزهای اطلاع رسانی و جلب حمایت برای دانشجویان زندانی در UBC و کالجهای مختلف شهر ونکور

فعالیت‌های تشکیلات شرق کانادا

گذاشتن میز اطلاع رسانی و جلب حمایت برای دانشجویان زندانی در مقابل سینما و ارسیتی (محل نمایش فیلم پرسپولیس، تهیه شده بر اساس کتاب مرجان ساتراپی) گذاشتن میز اطلاع رسانی و جلب حمایت برای دانشجویان زندانی مقابل پلازای ایرانیان

شب همبستگی با خانوادههای دانشجویان و دانشجویان در بند و با خواست آزادی دانشجویان میز اطلاعاتی در دانشگاه تورنتو که هفته گذشته برگزار شد.

فعالیت‌های تشکیلات انگلستان

بمناسبت هفته همبستگی با دانشجویان زندانی شب همبستگی و میزهای اطلاعاتی در لندن برگزار میشود

برای اطلاع از زمان و مکان دقیق این فعالیتها به اطلاعیه های حزب در سایت روزنه و حزب مراجعه کنید

www.rowzane.com
www.wpiran.org

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب:

چهارشنبه ۱۰ شب بوقت اروپای مرکزی

حجم مطلب:

۲ صفحه ۴۲، فونت ۱۴، فاصله نرمال - word

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

به حزب
کمونیست
کارگری
پیوندید

زنده باد همبستگی هرچه وسیعتر برای آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی در بند!

در اطلاعیه ای به تاریخ ۲۷ ژانویه، دوستانی که تحت عنوان "دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب" فعالیت میکنند، روز ۱۶ فوریه را بعنوان "روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای آزادی همه دانشجویان زندانی" اعلام کرده اند. ما همچنانکه از فراخوان ۲۸ دسامبر این دوستان با تمام توان حمایت کردیم، از هر تلاش دیگر برای آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی و از جمله ۱۶ فوریه بعنوان روزی برای اعتراض جهت آزادی همه دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی کشور استقبال و پشتیبانی میکنیم. ما به سهم خود همه مردم آزاده در داخل و خارج و کشور و همه نیروها و احزاب اپوزیسیون را فرامیخوانیم تا فعالانه و با تمام قوا برای عقب راندن رژیم درمانده و پوسیده اسلامی به میدان بیایند.

انتظار میرفت که تلاش و کوشش خود را با این هفته همبستگی هماهنگ نمایند و هنوز هم دیر نیست. مع الوصف برای تحکیم وحدت و همبستگی در صفوف مبارزه برای آزادی دانشجویان و همه زندانیان سیاسی اعلام میکنیم که علاوه بر شرکت فعال در هفته همبستگی در ۲ تا ۹ فوریه، از هر تلاش دیگر و از جمله برگزاری روز ۱۶ فوریه بعنوان روزی برای اعتراض جهت آزادی همه دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی کشور استقبال و پشتیبانی میکنیم. ما به سهم خود همه مردم آزاده در داخل و خارج و کشور و همه نیروها و احزاب اپوزیسیون را فرامیخوانیم تا فعالانه و با تمام قوا برای عقب راندن رژیم درمانده و پوسیده اسلامی به میدان بیایند.

زنده باد مبارزه هرچه وسیعتر و سراسری برای آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی!

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

تشکیلات خارج از کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ ژانویه ۲۰۰۸، ۸ بهمن ۱۳۵۶



دایناسورهای اسلامی

در حال اعلام احکام شریعت اسلامی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعتراضات کارگری ادامه دارد

از میان اطلاعیه های حزب
در باره اعتراضات کارگری

ادامه اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر کیان تاپر

اعتراض کارگران تصفیه خانه آب

طبس و شهرداری بوشهر

طومار اعتراضی کارگران

کارخانه "بافت بلوچ"

اعتراض به بیکاری ناشی از قطع گاز

در استان گلستان

اعتصاب کارگران شهرداری بوشهر کارفرما را عقب نشانده

گزارشهای منتشره از اعتصاب کارگران پیمانکاری شهرداری بوشهر در روز ۶ بهمن حکایت از این دارد که به دنبال اعتصاب کارگران در اعتراض به ۲ ماه دستمزد پرداخت نشده، پیمانکار مجبور به پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده کارگران شد.

اعتصاب کارگران تصفیه خانه آب طبس به دستمزدهای پرداخت نشده

طبق اخبار رسیده، کارگران شرکت تصفیه خانه آب طبس صبح روز ۸ بهمن در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد، دست به اعتصاب زدند. همین خبر می افزاید که پیمانکار تاکنون ۱۸ تن از کارگرانی را که به عدم پرداخت دستمزدهای خود اعتراض کرده بودند را اخراج برای ۲۰ کارگر دیگر پرونده سازی کرده که آنها را نیز اخراج کند.

اعتصاب کارگران لاستیک البرز همچنان ادامه دارد

قبلا به اطلاع رسانده بودیم که کارگران شرکت کیان تاپر (لاستیک البرز سابق) از روز ۲۶ دیماه امسال، در اعتراض به ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده دست به اعتصاب زده بودند. طبق خبری که یکی از گزارشگران حزب ارسال کرده است، اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران همچنان ادامه دارد. علیرغم حضور نیروهای انتظامی در محل

ادامه تجمعات اعتراضی کارگران اخراجی شرکت آذین شوستر

کار و امور اجتماعی شوستر اعلام میکند.

در حالیکه دولت و کارفرما با سر دوندان کارگران میخوانند آنان را وادار به تسلیم کنند، کارگران قسمت میراسازی شرکت آذین با اتحاد و یکپارچگی بر خواستههای بحق خود پافشاری میکنند و تن به قرارداد موقت نمیدهند.

حزب از مطالبات بحق این کارگران قاطعانه حمایت میکند و آنان را به برگزاری منظم مجمع عمومی برای پیشبرد مبارزه و اعتراضاتشان فرامیخواند. حزب همچنین کارگران سایر مراکز کارگری و مردم آزادیخواه شوستر، بخصوص کارگران شرکت آذین شوستر را فرامیخواند که فعالانه از کارگران واحد تولید میراسازی پشتیبانی کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ ژانویه ۲۰۰۸، ۱۰ دیماه ۱۳۸۶

قابل اعتراض و ارجاع به هیئت حل اختلاف است.

کارگران طی دو روز گذشته مقابل شرکت تجمع کرده و خواهان پاسخ کارفرما شدند. روز سه شنبه کارگران از ساعت ده تا یازده و نیم شرکت تجمع کردند، اما جوابی نگرفتند. روز چهارشنبه نیز از ساعت نه و نیم تا یازده صبح کارگران برای گرفتن جواب، در مقابل شرکت تجمع کردند. یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت به میان کارگران آمد و اعلام کرد شرط بازگشت بکار کارگران این است که قرارداد موقت ۴۵ روزه امضا کنند. کارگران بار دیگر با اعلام اعتراض و مخالفت شدید با قرارداد موقت ۴۵ روزه، خواستار بازگشت بکار بدون هیچ قید و شرط شدند و از کارفرما خواستند که سریعاً تکلیف آنها را روشن کند.

یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت، به کارگران گفته است که طی یکی دو روز آینده و طبق مهلت در رای صادره، جواب خود را به اداره

بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری، کارگران اخراجی قسمت تولید مربای شرکت آذین شوستر، روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۹ و ۱۰ بهمن برای دومین روز پیاپی دست به تجمع اعتراضی جلوی در ورودی این شرکت زدند. کارگران که تعدادشان ۳۲ نفر است روز ۲۳ دیماه امسال شکایتی تسلیم اداره کار و امور اجتماعی شهرستان شوستر نمودند و طی آن خواستار بازگشت بکار بدون قید و شرط شدند.

هیئت تشخیص اداره کار و امور اجتماعی شهرستان شوستر با حضور نماینده کارگران و کارفرما و نماینده وزارت کار در مورخه ۶ بهمن تشکیل جلسه داد و به اتفاق آرا رای به اعاده بکار کارگران با شرایط قبلی، و التزام کارفرما به پرداخت دستمزد کارگران از تاریخ تسلیم شکایت کارگران تا تاریخ ۶ بهمن به میزان هر کدام ۷۹۳۰۰ تومان و جمعا مبلغ ۲۵۳۷۶۰۰ تومان صادر نمود که ظرف مدت ۱۵ روز

فدراسیون اتحادیه های دانشجویی کانادا خواهان آزادی کلیه دانشجویان و زندانیان سیاسی شد

دانشجویان دستگیر شده اخیر و همه زندانیان سیاسی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید و اسباب اطمینان خاطر همگان از بازگشت صحیح و سالم آنها به دامان خانواده هایشان را فراهم آورید.
برای خواندن همه نامه به سایت روزنه و حزب کمونیست کارگری مراجعه کنید.

داشته و مصرانه خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها و همه زندانیان سیاسی در ایران شده است. در این نامه آمده است: "دانشجویان کانادا به این وسیله مراتب انزجار خود را از اعمال دولت ایران ابراز می دارند. ما مصرانه از شما می خواهیم که همه

پی تماس جمشید هادیان با فدراسیون اتحادیه های دانشجویی کانادا، آماندا عزیز رئیس این فدراسیون «از طرف بیش از نیم میلیون دانشجوی دانشگاه ها و مدارس عالی در کانادا» در نامه ای به احمدی نژاد «مراتب انزجار خود را از اعمال دولت ایران ابراز»

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه های آجر ماشینی استان گلستان به بیکار شدن در اثر قطع گاز

بیش از صد تن از کارگران اخراجی کوره های آجر ماشینی استان گلستان با تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به مشکل قطع گاز این واحدهای تولیدی شدند. بنا به این خبر که در روز ۹ بهمن منتشر شده، بیش از ۲ ماه است که گاز مصرفی دهها کوره آجرپزی سفال و

کارخانجات تولیدی مصنوعات ساختمانی قطع بوده و صدها کارگر کار خود را از دست داده اند. این کارگران دارای ۱۰ سال سابقه کار هستند.

طومار اعتراضی کارگران کارخانه "بافت بلوچ"

طبق اخبار رسیده در چند روز گذشته صدها نفر از کارگران کارخانه "بافت بلوچ" با امضای طومار اعتراضی به تصرف زمین کارخانه توسط

استانداری سیستان و بلوچستان، که باعث بیکاری کارگران شده است، اعتراض کرده اند و تهدید کرده اند که اگر به مطالبات آنها رسیدگی نشود، دست به تحصن خواهند زد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ ژانویه ۲۰۰۷، ۹ بهمن ماه ۱۳۸۶

از صفحه ۱ ترهایی در مورد انقلاب ...

مدلهای خود را داشتند). امروز در همه کشورها هر نوع گام بجلو در جهت بهبود وضع مردم در گرو مبارزه و نقش و تاثیر طبقه کارگر در عرصه تحولات و تغییرات سیاسی است.

۴- انقلاب يك پدیده عینی است و زمان و شکل مشخص وقوع آن مستقل از اراده انسانها است اما زمینه و شرایط سیاسی و اجتماعی شکل گیری انقلاب را جدال هر روزه ای که بین طبقات و بطور مشخص تر در میان جنبشهای طبقاتی موجود در جامعه جریان دارد فراهم میکند.

۵- از لحاظ سیاسی خصلت و مضمون و یا "نوع" و "نام" هر انقلابی را نیرو و حزب رهبری کننده آن تعیین میکند. انقلاب سوسیالیستی انقلابی به رهبری حزب سوسیالیستهای انقلابی، و در ایران امروز مشخصا حزب کمونیست کارگری، است.

۶- انقلاب سوسیالیستی در تحلیل نهائی حاصل پولاریزه شدن جامعه در نبرد بین دو طبقه اصلی بورژوازی و طبقه کارگر است. يك بورژوازی و طبقه کارگری که در سطح سیاسی وجود و حضور حزب انقلابی طبقه کارگر، یعنی حزبی است که بتواند در عرصه مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی طبقه کارگر را نمایندگی کند.

۷- مبارزه طبقاتی از طریق تقابل جنبشهای اجتماعی به پیش میرود. پایه ای ترین پیش شرط سیاسی شکل گیری و وقوع انقلاب سوسیالیستی در يك جامعه دست بالا پیدا کردن جنبش کمونیسم کارگری در مقابل جنبشهای بورژوازی است. هر اندازه افق، فرهنگ و پارادایم اعتراض در يك جامعه را ایده ها و نقد و اعتراض سوسیالیستی به وضع موجود تعیین کند به همان اندازه زمینه شکل گیری انقلاب سوسیالیستی در آن جامعه بیشتر فراهم شده است.

۸- امروز در ایران بر فضا و فرهنگ اعتراضی جامعه نقد و اعتراض انسانی، برابری طلبانه و آزادیخواهانه سوسیالیستی حاکم است و این نشاندهنده موقعیت اجتماعی قدرتمند جنبش کمونیسم کارگری و دست بالا داشتن این جنبش در مقابل و در مقایسه با جنبشهای بورژوازی - جنبش

ناسیونالیسم پروغرب و جنبش ملی-اسلامی - در يك سطح اجتماعی است. هیچگاه جامعه ایران مانند امروز تشنه و آماده انقلاب سوسیالیستی نبوده است.

۹- در نبرد بین دو طبقه اصلی سرمایه دار و کارگر طبقات و اقشار دیگر ناظر و بی تفاوت نیستند. نه ستم و بیعدالتی سرمایه تنها به کارخانه ها محدود میشود و نه طبقه کارگر صرفا در کارخانه تحت ستم قرار میگیرد. سرمایه کل جامعه را به بند میکشد و کارگر بعنوان يك طبقه اجتماعی، و نه صرفا يك صنف و بعنوان تولید کننده، در برابر او قد علم میکند. طبقه کارگر در این مقابله کل ستمديدگان و محرومین و دردمندان، یعنی اکثریت عظیم مردم را نمایندگی میکند و در کنار خود دارد. طبقه کارگر بدون رهائی کل جامعه نمیتواند رها شود همانطور که کل محرومین و

زحمتکشان بدون پیوستن به صف انقلاب کارگری رها نخواهند شد. انقلاب سوسیالیستی انقلابی توده ای و فراگیر است.

۱۰- برای طبقه کارگر بسیج کل جامعه برای رهائی از قید سرمایه يك ضرورت عینی است. این حقیقت اعلام شده در مانیفست که "طبقه کارگر رها نمیشود مگر کل جامعه را رها کند" بیانگر ضرورت بسیج اکثریت جامعه، همه انسانهایی که به نحوی تحت ستم و تبعیض و بیحقوقی در جامعه سرمایه داری قرار دارند، بزرگ پرچم نقد سوسیالیستی وضع موجود و انقلاب سوسیالیستی است. انسانی بودن سوسیالیسم این ضرورت را امکان پذیر میکند. اساس انقلاب سوسیالیستی رهائی انسان است. جوهر انسانی آرمان سوسیالیسم و هدف استراتژیک طبقه کارگر برای نفی طبقات و تحقق جامعه انسانی (در تمایز از جامعه مدنی که آخرین درجه پیشرفت ممکن جوامع طبقاتی است) کلید فراگیر شدن و مقبولیت توده ای آنست.

۱۱- اعتراض اقشار و بخشهای مختلف جامعه به ستم و تبعیضی که در جامعه سرمایه داری به آنان اعمال میشود به شکل جنبشهای اعتراضی بروز پیدا میکند. در ایران امروز مشخصا جنبش علیه

کارگران صنایع مخابراتی: با خانواده هایمان دست به تجمع میزنیم

کارگران کیان تاپر توطئه کارفرما و شورای تامین استان را به هم زدند

اخراج کارگران مجتمع صنعتی سما

خیال توافق با مدیریت کارخانه را ترک کرده بودند، به محض اطلاع از کلك مدیریت به کارخانه بازگشته و تحصن خود را از سر می گیرند.

اخراج کارگران مجتمع صنعتی سما

مدیریت کارخانه سما، نزدیک به ۵۰ درصد کارگران این مجتمع را که چندی پیش با يك اعتراض قدرتمند خواسته های خود را به کارفرما تحمیل کردند، به بهانه های واهی بیکار کرد. ۵۰ درصد دیگر کارگران بدون هر گونه قراردادی مشغول کار در این مجتمع هستند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ ژانویه ۲۰۰۸، ۱۰ بهمن ۱۳۸۶

۱۴- تقابل میان حزب و حکومت اسلامی، از نظر طبقاتی و بر بستر مقابله میان دو طبقه بورژوا و کارگر در سطح جهانی، مقابله میان عقب مانده ترین و ضد انسانی ترین گرایشات و جنبشهای بورژوازی عصر حاضر (اسلام سیاسی، قوم گرایی، ناسیونالیسم، مردسالاری و آپارتاید جنسی) با پیشرفته ترین و انسانی ترین آرمانها و خواستههای بشریت متملن عصر ما، یعنی کمونیسم کارگری و سوسیالیسم انسانی و رهائیبخش کمونیسم کارگری است. حزب کمونیست کارگری ایران انسانیت تحزب یافته در مقابل توحش تحزب یافته (و دولتی شده) بورژوازی در دوره نظم نوین است.

۱۵- سلطه جمهوری اسلامی بعنوان سمبل و نماینده توحش سرمایه داری امروز و نفوذ اجتماعی آرمانها و سیاستهای انسانی جنبش و حزب کمونیست کارگری، جامعه ایران را به حلقه اصلی و يك جبهه نبرد تعیین کننده میان جهان متملن و کل ارتجاع بورژوازی در جهان تبدیل کرده است. پیروزی انقلاب سوسیالیستی در ایران بشریت را در مبارزه و اعتراض به وضع موجود يك گام عظیم به پیش خواهد برد. *

رسانه ها، کارفرمای این شرکت در تیانبا با شورای تامین استان، برای پایان دادن به اعتصاب کارگران دست توطئه میزند و روز ۱۰ بهمن به کارگران وعده می دهد که روز ۱۳ بهمن، علاوه بر پرداخت ۴ ماه دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، تولید را نیز از سر خواهد گرفت. اما ساعاتی بعد، و در حالیکه تعدادی از کارگران هنوز کارخانه را ترک نکرده بودند مطلع میشوند که به رانندگان سرویسهای حمل و نقل کارگران گفته شده است که از روز شنبه (۱۳ بهمن ماه) دیگر برای حمل و نقل کارگران مراجعه نکنند.

کارفرما به این طریق قصد داشت کارخانه را تعطیل و کارگران را بیکار کند و با توطئه آنها را از محوطه کارخانه بیرون کند. تعدادی از کارگرانی که در نیمه راه بوده و به

بورژوازی بر جنبشهای اعتراضی است، این حقیقت را در جنبشهای اعتراضی تثبیت کرد که نقد سوسیالیستی وضعیت موجود و جنبش کمونیسم کارگری نماینده و بیانگر واقعی و پیگیر امر و اعتراض و خواست آنان است. این حقیقت باید به باور توده مردم معترض و ناراضی و همه فعالین جنبشهای اعتراضی تبدیل شود که تقویت و پیشروی جنبش کمونیسم کارگری مستقیما در خدمت انسان و انسانیت و تحقق هر امر انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه ای در جامعه است. این معنی مشخص اجتماعی شدن کمونیسم کارگری و پیش شرط بسیج اکثریت مردم محروم و ستمدیده جامعه در جهت پیروزی انقلاب سوسیالیستی است.

۱۳- جنبشهای اعتراضی در ایران در خصلت و مضمون خود سرنگونی طلبانه هستند.

سرنگونی جمهوری اسلامی و خلع ید سیاسی از بورژوازی در ایران مشخصا در گرو دخالتگری فعال، سازماندهی و اعمال رهبری حزب کمونیست کارگری در جنبشهای اعتراضی مردم در عرصه های مختلف است. تعمیق و ارتقای اعتراض و "نه" مردم به وضع موجود به يك نقد و اعتراض سوسیالیستی کلید تحقق این رهبری در يك مقیاس اجتماعی است.

التماتوم کارگران صنایع مخابراتی راه دور به تحصن دوباره

طبق خبری که روز ۱۰ بهمن منتشر شده است، کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور، که چند روز پیش بیش از ۱۴۰۰ تن از آنها در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود با مراجعه به استانداری استان فارس دست به اعتراض زده بودند، اعلام کرده اند که اگر تا روز شنبه، ۱۳ بهمن ماه مطالبات آنها پرداخت نشود، به همراه اعضای خانواده خود بار دیگر در مقابل استانداری دست به اعتراض و تحصن خواهند زد.

کارگران کیان تاپر خشمگین از توطئه های کارفرما

به دنبال اعتصاب کارگران کیان تاپر (لاستیک البرز سابق) و انعکاس در

آپارتاید جنسی و برای رهائی زن، جنبش علیه سلطه مذهب و برای جدائی مذهب از دولت، جنبش جوانان برای خلاصی فرهنگی، جنبش در دفاع از حقوق کودکان، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، و جنبش علیه اعدام از جمله جنبشهای اعتراضی است که حول امر این جنبشها، امر طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری نیز هست. هر درجه پیشروی و در نهایت پیروزی این جنبشها و رسیدن آنها به هدف معین خود عملا و بطور واقعی در گرو پیشروی مبارزه طبقه کارگر و قدرت گیری جنبش و حزب کمونیست کارگری در جامعه است.

۱۲- يك پیش شرط تامین هژمونی طبقه کارگر در جامعه تعمیق و رادیکالیزه کردن جنبشهای اعتراضی جاری در جامعه در جهت نقد سوسیالیستی به وضع موجود (حول مساله مورد اعتراض هر جنبش معین) است. امر جنبشهای اعتراضی را نمیتوان به سوسیالیسم ارتقا داد و یا آنها را در جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر ادغام کرد. این نه ممکن و نه ضروری است. اما میتوان و باید با تاکید بر خصلت انسانی و حق طلبانه این جنبشها و مقابله با محدودنگریها و سازشکاریها و عوامل منفی و بازدارنده ای که انعکاس گرایشهای